

## اشعار غیاث‌الدین کججانی در جامع‌الالحن

(به مناسبت انتشار دیوان خواجه غیاث‌الدین کججی)

بابک خضرائی

عضو هیأت علمی دانشنامه جهان اسلام و پژوهشگر حوزه موسیقی  
babak.khazrai@gmail.com

وقتی در نشست ظهر چهارشنبه آخر آبان‌ماه در موسسه میراث مکتوب (به صرف آبگوشت و دیدار اهل قلم) خبر دادند که این موسسه دیوان خواجه غیاث‌الدین شیخ محمد کججانی تبریزی (د. ۷۸۸ق) را با تصحیح مسعود راستی‌پور و احسان پورابریشم منتشر کرده است، نتوانستم صبر کنم تا مجلس تمام شود؛ وسط سخنرانی‌ها خود را به دکتر ایرانی رساندم و تقاضا کردم کتاب را ببینم. ایشان هم همان نسخه دم‌دست را ارزانی داشت و من هم وسط بقیه سخنرانی‌ها، و در ادامه، در تاکسی و خیابان مشغول آن شدم.

اشتیاقم به کججی نه از آن رو بود که اشعاری آبدار از او در خاطر داشتم؛ برعکس، ابیاتی که از او دیده بودم چنگی به دل نینداخته بود؛ اما می‌دانستم که او دوست و همنشین عبدالقادر مراغی (۷۵۸-۸۳۸ق) بوده است و همان ابیات را هم عبدالقادر در جامع‌الالحن از او نقل کرده بود و حالا در جست‌وجوی آن بودم که شاید در دیوان او چیزی درباره عبدالقادر پیدا شود. نتیجه چندان امیدوارکننده نبود. البته چندبیتی مرتبط با موسیقی در این دیوان می‌توان دید؛ مثلاً در این ابیات (کججی، ۱۳۹۵: ۶۳):

عشاق را هوای تو آموخت راستی  
در پرده‌های ناله دل زیر و بم زدن  
کار مرا به طره خود بازبسته‌ای  
تا چند کار بی‌سر و پایان به هم زدن؟

عشاق و راست و پرده و زیر و بم و کار و شاید بشود گفت بسته

و هوا- هوایی از اصناف تصانیف قدیم است- از اصطلاحات موسیقی آن زمان است. نیز ساز، پرده و مخالف در این مصراع:

سازت از پرده جانان چو مخالف آید (همان: ۷۷)

نیز:

هزار بار قفایم زدی به طعنه چو دف  
چو بر بطم به کنار آر و یکرهم بنواز (همان: ۱۷۵)

نیز:

چون عود اگر سوزی مرا سازم نالم از غمت  
حاشا که من نالم اگر گوشم بمالی چون رباب (همان: ۱۷۹)

اگر در دیوان کججی مطلبی درباره عبدالقادر نیست، در جامع‌الالحن عبدالقادر مراغی از کججی و اشعار او نشان هست. مصححان به آمدن سه بیت از یک غزل کججی (با مطلع «گل چو بیرون آمد از خلوت سرای خویشان») در جامع‌الالحن اشاره کرده‌اند، که مصراع پایانی آن در دیوان، با روایت مراغی تفاوت دارد (کججی، ۱۳۹۵: بیست و یک، ۵۹). عبدالقادر این غزل را پس از ذکر داستانی از شرط‌بندی معروف خود در مجلس سلطان حسین بن اویس در تبریز (در رمضان ۷۷۸ق)، با حضور عده‌ای از بزرگان از جمله «شیخ‌الاسلام اعظم خواجه شیخ الکججی» نقل کرده، که کججی به همراه جلال‌الدین فضل‌الله العیبدی اشعار عربی آن برنامه را معین می‌داشته است (مراغی، ۱۳۸۸: ۲۷۴-۲۷۶؛ همو، ۱۳۷۰: ۳۳۸). اما اشعاری که عبدالقادر از کججی آورده است منحصر به ابیات این غزل نیست؛ از جمله ابیاتی که در دیوان او هم دیده می‌شود، یکی پنج بیت از غزلی است با مطلع «ای جان و دل از جان و دل من دوست می‌دارم تو را» (مراغی، ۱۳۸۸: ۳۹۲؛ کججی، ۱۳۹۵: ۱۴۸) و دیگری سه بیت از غزلی با مطلع «خبر نداری از احوال (حال) خستگان فراق» (مراغی، ۱۳۸۸: ۳۳۰؛ کججی، ۱۳۹۵: ۱۹۷).

عبدالقادر در خاتمه جامع‌الالحن چهار دوبیتی محلی نیز آورده، که سراینده آنها را «خواجه محمد الکججانی رحمه الله» ذکر کرده است (مراغی، ۱۳۸۸: ۳۷۷). دکتر علی اشرف صادقی گفته‌اند که این شخص خواجه محمد بن صدیق کججانی (د. ۶۷۷ق) است، نه کججی مورد نظر ما (صادقی، ۱۳۸۴: ۶۳). اما مصححان دیوان کججی می‌گویند «باتوجه به ذکر سه بیت

خورده از طنبور تو بریط فراوان گوشمال  
هست نی را داغ‌ها از صوت خویت بر جگر  
بریط و قانون و طنبور و رباب و چنگ و نی  
در ره انصاف از عود تو باشد یک وتر  
خوان شاهان را چو آرایی به چینی کاسه‌ها  
شور در چین افتد و خیزد خروش از باخت  
راستی گردد محیر جان عشاق عراق  
چون به تبریز و سپاهانت از حجاز افتد گذر  
زین بزرگی بی‌نوا گردد مخالف در نهفت  
ور ز خارا باشدش عالی حصری معتبر  
چون حسینی مذهبی با شاه‌نازت می‌رسد  
زین جهت هم در مقامت هست نوروزی دگر  
دور دور توست و باساز است کار نوبتت  
و آن‌که نتواند شنید و دید بادا کور و کر  
صیت صوت جان‌فزایت در همه عالم رسید  
آفتاب‌آسا گرفتی بر و بحر و خشک و تر  
با کمالت کی رسد هر بی‌کمالی را سخن  
فرق‌ها بسیار باشد در میان سنگ و زر  
با ادای صوت داوودیت فریاد حسود  
هم بدان ماند که پیش نطق عیسی صوت خر  
ساختی سی نوبت خوب مرتب در سی روز  
آفرین بر جانت ای صاحب‌کمال نامور  
مخلص خاص و محبّ صادق از جان کجج  
بسته در مدحت چو خامه بر میان جان کمر  
تا که دشواری ست هر آسانی را در قفا  
تا که آسانی ست هر دشواری را بر اثر  
هر دم از نو دولت غیبت بادا تا ابد  
روز و شب بر مسند جاه و جلالت مستقر

در پایان به مصححان و ناشر تبریک و دست‌میرزاد می‌گویم  
و پیشنهاد و آرزو می‌کنم که یکی دیگر از دیوان‌های همین دوره  
(دیوان سلطان احمد جلایر که نسخه‌ای ممتاز از آن به خط میرعلی تبریزی،  
کتابت رمضان ۸۰۵ ق، در کتابخانه فریر و اشنگتن دی. سی محفوظ است  
و گویا تصویر آن در ایران هست)، تصحیح یا چاپ عکسی شود.

فارسی از خواجه شیخ در جامع‌الالحان و نیز سروده‌های  
فهلوی مندرج در دیوان خواجه شیخ، کمتر گمانی می‌توان  
داشت که چهار دوییتی مندرج در جامع‌الالحان نیز از آن  
اوست» (کججی، ۱۳۹۵: بیست و دو).

در خاتمه جامع‌الالحان دو شعر دیگر نیز می‌توان یافت که  
در آن تخلص کجج آمده است و در دیوان چاپ‌شده آنها را  
نیافتم؛ یکی این دویت:

تا برآمد آتش عشق از گریبانم چو شمع  
شد روان خون دل از رخ تا به دامنم چو شمع  
گر کسی پرسد که کججو چونی از سودای عشق  
گویم ای نادان نمی‌بینی که سوزانم چو شمع؟ (مراغی، ۱۳۹۵: ۳۴۵)

دیگری یک قطعه که سراسر مدح عبدالقادر است (همان:  
۳۶۶ - ۳۶۷). مراغی هیچ اشاره نکرده که این اشعار در حق  
خود او سروده شده است، اما با وجود برخی توصیفات و به‌ویژه  
مصراع «ساختی سی نوبت خوب مرتب در سی روز»، که اشاره  
به داستان شرط‌بندی مذکور با حضور کججی دارد، و نیز اشاره  
به غیبی (نام پدر عبدالقادر) در مصراع آخر، تردیدی بر جانی ماند  
که مخاطب این ابیات خود مراغی است که کججی او را  
«هنرمند» خوانده است. در این ابیات از سازهای عود، چنگ،  
طنبور، بریط، نی، قانون، رباب، کاسه‌های چینی، کتاب ادوار  
(از صفی‌الدین)، برخی اصناف تصانیف (کل‌الضروب، صوت،  
نوبت) و برخی مقام‌ها شعبه‌ها و آوازاها (راست، محیر، عشاق،  
عراق، سپاهان، حجاز، بزرگ، نوا، مخالف، نهفت، خارا، حصار،  
حسینی، شاهناز و نوروز) نام برده شده است و نشان از آشنایی  
کججی با موسیقی دارد:

ای هنرمندی که از هر فنّی از روی کمال  
آفتابی بر سپهر فضل در دور قمر  
خط و قرآن و احادیث و کلام و نحو و صرف  
منطق و فقه و اصول و خط و شعر چون شکر  
از صدای صوت عودت یک نغم کل‌الضروب  
وز کتاب فضل تو ادوار جزوی مختصر  
هست مضراب تو را بر جمله سازی دست‌رس  
چنگ نزد عودت از خجالت به پیش افکنده سر

منابع

- صادقی، علی اشرف (۱۳۸۴). «اشعار محلی جامع‌الاحسان عبدالقادر مراغی». فصلنامه موسیقی ماهور، سال هفتم، ش ۲۸: ۵۹-۶۹.
- کججی، خواجه غیاث‌الدین شیخ محمد (۱۳۹۵). دیوان غیاث‌الدین کججی. مقدمه، تصحیح و تعلیقات
- مسعود راستی‌پور و احسان پورابریشم. تهران: میراث مکتوب.
- مراغی، عبدالقادر بن غیبی (۱۳۷۰). شرح ادوار. به اهتمام تقی بینش. تهران: نشر دانشگاهی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸). جامع‌الاحسان. مقابله و ویرایش بابک خضرائی. تهران: فرهنگستان هنر.



آثار دست‌انگار

دستور الکاتب فی تعیین المراتب

یکی از مهم‌ترین متون فارسی در قرن‌انثا و مجموعه‌ای از منشآت قرن هشتم هجری دستور الکاتب فی تعیین المراتب است. محمدر بن هندوشاه نخجوانی، مشهور به شمس منشی، در ۷۶۷ق این کتاب را به پایان رساند و به سلطان اویس جلایری تقدیم کرد. این کتاب در میان تمام مجموعه منشآت و شیوه‌نامه‌هایی که تا پیش از آن تصنیف شده‌اند، به لحاظ تنوع در گستردگی یگانه است. این اثر به تصحیح علی اکبر احمدی دارانی و توسط انتشارات میراث مکتوب به‌زودی منتشر خواهد شد.

